



بایسته ها و ضرورت های قانونگذاری در زمینه بازار

سرمایه گذاری خطرپذیر (سرمایه گذاری جسورانه) ایران



عنوان گزارش: بایسته‌ها و ضرورت‌های قانونگذاری در زمینه بازار سرمایه‌گذاری خطرپذیر (سرمایه‌گذاری جسورانه) ایران

کمیسیون: حقوقی و حمایت قضایی و مقرراتی

انتشار: امور کمیسیون های تخصصی اتاق ایران

شماره گزارش: ۰۰۹۰۱۶۲

پاییز ۱۴۰۱

در این سند توجیهی، پس از تشریح برخی مفاهیم پایه سرمایه‌گذاری خطرپذیر، علل و موجبات اینکه چرا قوانین و مقررات موجود کشور ایران، یارای آن ندارد که فضای نهادی و حقوقی لازم و کافی برای رشد و پیشرفت بازار سرمایه خطرپذیر را فراهم نماید، به اجمال هرچه تمام بیان شده است:

۱- تعریف سرمایه خطرپذیر

بنا به یک تعریف، «سرمایه خطرپذیر» «سرمایه پرریسکی است که در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌شود که در مراحل ابتدائی کار خود هستند». سرمایه‌گذاری خطرپذیر اعطای وام یا تسهیلات نیست، بلکه سرمایه‌گذاری موجد مالکیت (Equity Investment) است، به نحوی که سرمایه‌گذار سهام شرکت سرمایه‌پذیر را مالک می‌گردد. به عبارتی دیگر، سرمایه‌گذاری خطرپذیر سرمایه‌گذاری موجد مالکیت سهام یا متصل به مالکیت سهام در شرکت‌های نوپا و خصوصی است که طی آن یک واسطه مالی به عنوان سرمایه‌گذار، علاوه بر تأمین سرمایه بنگاه اقتصادی نوپا معمولاً به شکل فعالی در کار هدایت، و ارائه مشورت و حتی مدیریت آن بنگاه نیز برمی‌آید.

۲- تعریف بنگاه خطرپذیر (Venture Business) و اوصاف منحصر به فرد آن

بنگاه خطرپذیر اوصاف منحصر به فردی بدین شرح دارد: ایده‌ها یا فن‌آوری‌های نوین؛ نوکارآفرینان نابلد و تازه‌کار ولی اهل تهور و خطر کردن؛ مقیاس کوچک بدون داشتن مبالغ سرمایه بالا؛ رشد زیاد و خطر زیاد؛ بازاریابی جزئی یا کُنج امن. در مقابل بنگاه خطرپذیر، بنگاه‌های بزرگ سنتی دارای اوصاف بدین شرح‌اند: سرمایه زیاد؛ نوکارآفرینان متبحر و باتجربه؛ مقیاس بزرگ؛ سود و بازدهی باثبات و خطر کم؛ و بازاریابی انبوه و وسیع. شایان ذکر است که امروزه فن‌آوری بالا در زمره اوصاف بنگاه خطرپذیر نیست. اگر بنگاهی با ویژگی‌های فوق بتواند بازار نوینی را قبضه کند و خطرات بازرگانی همراه با بازدهی‌های بالا باشد، آن بنگاه به عنوان «بنگاه خطرپذیر» توصیف می‌شود. به عنوان مثال، مکدونالدز در بنگاه‌های سنتی‌ای که چنین توانی را داشته‌اند، به‌عنوان بنگاه خطرپذیر، سرمایه‌گذاری خطرپذیر کرده است. بنابراین، عوامل تعیین‌کننده در تمییز و توصیف «بنگاه خطرپذیر» بدین شرح‌اند: نوآوری؛ نوکارآفرینان نابلد و بی‌تجربه ولی متهور و اهل خطر کردن؛ نداشتن سابقه کار و عملکرد و نداشتن وثایق و تضامین؛ ریسک بالا و بازدهی بالا.

با توجه به اوصافی که برای بنگاه خطرپذیر برشمردیم، بنگاه خطرپذیر را بدین شرح می‌توان تعریف کرد: «بنگاه کوچک و جدیدالتأسیسی که آگاهی محور یا نوآور یا فن‌آوری پایه است و دارای قابلیت و استعداد آن است که بازار جدید پرخطر و در عین حال پربازدهی را به روی خود بگشاید». به هر حال، لازم نیست تعریف محدودکننده از اصطلاح «بنگاه خطرپذیر» ارائه شود یا تعریف چنان باشد که شرکت‌های فاقد اوصاف کسب‌وکار خطرپذیری نیز از امتیازات شرکت‌های خطرپذیر بهره‌مند شود. به جای آنکه دولت مرجع تشخیص بنگاه خطرپذیر از غیر آن باشد، بهتر است بازیگر خصوصی این بازار یعنی «واسطه مالی متخصص» یا همان «صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر» خود بنگاه خطرپذیر را تمییز و تشخیص دهد. شرکت‌هایی همچون گوگل یا مایکروسافت، زمانی در شمار بنگاه‌های خطرپذیر محسوب می‌شده‌اند.

۳- منشأ شکل‌گیری بازار سرمایه خطرپذیر و چگونگی پیدایش آن

در ایالات متحده آمریکا برای تأمین مالی نوآوری و بلندپروازی بازار اختصاصی‌ای به نام «سیلیکون والی» (Silicon Valley) شکل گرفته است. سیر شکل‌گیری این بازار خود داستان مفصلی دارد که در این مختصر نمی‌گنجد. اما آنچه به اختصار می‌توان گفت، در آن کشور این بازار عمدتاً به شکل طبیعی

(ارگانیک) توسط نیروهای بازار و با حداقل مداخله دولت پدید آمده است. سؤال این است که آیا در ایران نیز بازار سرمایه خطرپذیر به طور طبیعی (ارگانیک) شکل خواهد گرفت یا اینکه نیاز به مهندسی این بازار است؟

در پاسخ باید گفت: تنها کشوری که این بازار در آن کشور عمدتاً به طور طبیعی پدید آمده، کشور ایالات متحده آمریکا است که منشأ پیدایش این نهاد و مفهوم نیز بوده است. سایر کشورهای مهم در این حوزه، شامل جمهوری خلق چین، آلمان، ژاپن، هند، انگلستان، سنگاپور و غیره با بهره‌گیری از تجربیات کشور آمریکا با مداخله دولت و به شکل مهندسی شده این بازار را به وجود آورده‌اند. چین طی سه دهه توانست از طریق مهندسی این بازار، دومین بازار سرمایه‌گذار خطرپذیر جهان پس از ایالات متحده آمریکا شود. منظور از حمایت دولت برای تشکیل بازار موفق سرمایه خطرپذیر، لزوماً پول نیست، بلکه فراهم آوردن فضای نهادی مناسب است.

۴- چرا به بازار سرمایه خطرپذیر نیاز است؟

زیرا بنگاه‌های نوآور و نوپا نمی‌توانند از طریق بازار پول (بانک‌ها) و نیز بازار سرمایه (بورس‌ها) به تأمین مالی خود اقدام کنند. بنابراین، از یکسوی، به علت اوصاف و ویژگی‌هایی که بنگاه‌های نوآور و نوپا دارند، و از سوی دیگر محدودیت‌هایی که برای تأمین مالی این بنگاه‌ها در بازار پول و بازار سرمایه وجود دارد، نیاز به تشکیل بازار علی‌حده و مستقلی به نام «بازار سرمایه خطرپذیر» خاص تأمین مالی تجاری‌سازی نوآوری‌ها در کشور شدیداً احساس می‌شود. در نبود یکچنین بازاری در کشور صاحبان فن‌آوری نوین یا ایده‌ها و فرایندهای جدید ملجأی برای تأمین سرمایه نخواهند داشت تا بدان پناه ببرند؛ و چه‌بسا نوآوری‌هایی که به مرحله تجاری‌سازی خواهند رسید. در شرایطی فعلی با توجه به ضعف نهادی و حقوقی کشور، پنجره‌های تأمین مالی به روی شرکت‌های نوآور تقریباً بسته است.

۵- نظام تأمین مالی بانک محور نمی‌تواند سازوکارهای کم هزینه و مقرون به صرفه‌ای را برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر فراهم آورد.

کسب و کارهای خطرپذیر ویژگی‌هایی دارند که تأمین مالی این کسب و کارها توسط بانک‌ها را دشوار یا غیرممکن می‌سازد: عدم قطعیت و ابهام بالا؛ عدم تقارن اطلاعات میان نوکارآفرین (صاحب ایده) و بانک؛ دارایی فکری ناملموس این کسب و کارها؛ و حساسیت این کسب و کارها در برابر شرایط متغیر و پرنوسان بازار.

۶- کاستی بورس و فرابورس برای تأمین مالی بنگاه خطرپذیر

بنگاه‌های نوپا و نوآور نمی‌توانند از طریق بورس نیز تأمین مالی کنند؛ چرا که در تمام بورس‌های جهان تنها شرکت‌های معظم با سرمایه بالا، گردش مالی بالا، و سوابق عملکرد بالا در بورس‌ها پذیرفته می‌شوند. حال آنکه یک شرکت نوپا و نوآور در این مقطع از چنین ویژگی‌ها و اوصافی بهره‌مند نیست، هرچند ممکن است استعداد آن را داشته باشد که در آینده در زمره شرکت‌های بزرگ بورسی درآید.

بازار سرمایه خطرپذیر قسمی از بازار سهام خصوصی (Private Equity Market) در برابر بازار سهام عمومی (Public Equity Market) است. به بازار بورس اوراق بهادار به معنایی که می‌شناسیم، «بازار سهام عمومی» گفته می‌شود. چنانکه اشارت رفت، بازار سهام عمومی از دسترس شرکت‌های نوپا و نوآور خارج است، و بایسته است «بازار سهام خصوصی» خاص این بنگاه‌ها طراحی شود. به صرف تدوین یکی دو دستورالعمل ناقص برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه (توسط سازمان بورس و اوراق بهادار) مؤلفه‌ها و عناصر نهادی و حقوقی لازم و کافی برای این بازار فراهم نگشته است.

متأسفانه فرابورس ایران بدون وجود ساختارهای نهادی و قوانین و مقررات حقوقی لازم برای این بازار (یعنی، بازار سرمایه خطرپذیر)، مجموعه‌ای از بنگاه‌های اقتصادی متفاوت با نیازمندی‌ها و اقتضائات متفاوت را زیر پوشش خود گرفته است که مناسب به حال نیازمندی‌های بازار سرمایه خطرپذیر نمی‌باشد. به عبارت دیگر، در شرایط فعلی هر شرکتی که شرایط پذیرش در بورس اوراق بهادار ندارد، در پشت درهای این بازار و در بازار فرابورس نگه داشته می‌شود، حال اقتضائات و سیر رشد و تکامل آن شرکت هرچه می‌خواهد باشد.

۷- نبود قوانین و مقررات لازم و کافی برای فرشتگان سرمایه‌گذار

سرمایه‌گذاران متخصص معمولاً در قالب صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر آورده‌ها و نهاده‌های زیر را برای بنگاه خطرپذیر فراهم می‌کنند: سرمایه مادی، سرمایه شهرت، کمک مدیریتی، و پایش و دیده‌بانی مستمر و گسترده بر فعالیت بنگاه خطرپذیر (محل سرمایه‌گذاری). مجموع این آورده‌ها را می‌توان در دو دسته «حمایت‌های مالی» و «حمایت‌های غیرمالی» تقسیم‌بندی کرد. هنگامی که یک شخص حقیقی متبحر و سرمایه‌دار که خود قبلاً نوکارآفرین موفق بوده است، این آورده‌ها و نهاده‌ها را در اختیار کسب و کار خطرپذیر می‌نهد، به آن شخص «فرشته سرمایه‌گذار» (Angel Investor) گفته می‌شود.

۸- نبود قوانین و مقررات لازم برای قالب سازمانی «مشارکت محدود» (Limited Partnership) در ایران

واسطه‌های مالی متخصص (Specialized Financial Intermediary) به عنوان یکی از عناصر زیست‌بوم (اکوسیستم) بازار سرمایه‌گذاری خطرپذیر محسوب می‌شوند. تجربه جهانی نشان می‌دهد که بهترین واسطه مالی برای این نوع بازار «مشارکت محدود» (Limited Partnership) است. مشارکت محدود از دو دسته شریک تشکیل می‌شود: شریک عمومی (General Partner) و شریک با مسئولیت محدود (Limited Partner). شریک عمومی لازم است یک شرکت یا مؤسسه سرمایه‌گذاری خطرپذیر حرفه‌ای و متخصص باشد. همین شریک است که اداره مشارکت محدود را در دست دارد.

۹- نبود قوانین و مقررات لازم برای «شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر» (Venture Capital Firm) در ایران

مشارکت محدود چه مزیت‌ها و اوصاف کافی‌ای بایست داشته باشد تا نیازهای بازرگانی کاربران بالقوه آن را برآورده سازد؟ مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (مشارکت محدود) معمولاً «شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر» (VC Firms) می‌باشند. به عبارت دیگر، شرکت‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC Firms) نقش شریک عمومی (General Partner) را در صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC Funds) ایفاء می‌کنند. در ایران، هیچ مقرراتی برای شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VC Firm) وجود ندارد.

۱۰- نبود قوانین و مقررات لازم در ایران در زمینه مکانیسم‌های خروج از بنگاه خطرپذیر (استراتژی‌های خروج)

صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر دارای مدت معین است؛ و با پایان محدث منحل می‌شود و باید تصفیه شود. پولی که از طریق سرمایه‌گذاری خطرپذیر وارد یک بنگاه می‌شود قرار نیست برای مدت طولانی و همیشه در آن بنگاه باقی بماند. این پول و سرمایه قرار است تا زمانی در آن بنگاه بماند که بنگاه مزبور دارای حجم و اندازه و اعتبار کافی می‌شود تا بتوان آن بنگاه را به یک شرکت فروخت یا آن بنگاه را وارد بورس اوراق بهادار کرد و سهام آن را از طریق عرضه عمومی اولیه (IPO) به فروش رساند و سرمایه را به پول نقد تبدیل کرد. بنابراین، سرمایه خطرپذیر از همان ابتدا به هدف خروج از آن فعالیت نوآورانه به بنگاه نوپا وارد می‌شود.

چنانکه گفته شد، عمر حضور سرمایه‌گذار خطرپذیر در بنگاه سرمایه‌پذیر (نوکارآفرین سابق) معمولاً بین ۷ تا ۱۰ سال است. سرمایه‌گذار خطرپذیر حق و تکلیف دارد که پس از رشد بنگاه سرمایه‌پذیر میدان را ترک کند و سرمایه و کنترل بنگاه رشدیافته را به اهل آن سپارد. سه مکانیسم و استراتژی معمول برای خروج از بنگاه سرمایه‌پذیر بدین شرح است: ۱- عرضه عمومی اولیه سهام آن شرکت در بورس اوراق بهادار؛ ۲- ادغام بنگاه رشدیافته در یکی از شرکت‌های مشهور یا خرید بنگاه رشدیافته توسط یکی از شرکت‌های دیگر (M&A)؛ و ۳- قرارداد اختیار فروش سهام آن بنگاه به نوکارآفرینان راه‌اندازی‌کننده بنگاه سرمایه‌پذیر؛ و سایر روش‌ها. در حال حاضر، احکام هیچ یک از شرکت‌های تجاری موجود در قوانین موضوعه ایران، به دیگر سهامداران و/یا شرکای شرکت اجازه نمی‌دهد سایر سهامداران و/یا شرکاء را ملزم به خروج از شرکت نمایند که این خلأ حقوقی خود یکی از موانع بر سر راه شکل‌گیری سرمایه‌گذاری خطرپذیر در ایران است.

۱۱- نبود سیاست مالیاتی مناسب در قوانین و مقررات ایران در عرصه سرمایه‌گذاری خطرپذیر

سیاست مالیاتی در مورد سرمایه‌گذاری خطرپذیر چگونه باید تدوین شود تا در عین حال که این سیاست سرمایه‌گذاری خطرپذیر را تشویق می‌کند، باعث ناکارآمدی نیروهای بازار در تخصیص سرمایه نشود و سبب نشود شرکت‌های سرمایه‌گذار خطرپذیر با عملکرد ضعیف همچنان به پشتوانه مشوق‌های مالیاتی و یارانه‌های دولتی در بازار باقی بمانند؟ متأسفانه قوانین و مقررات جاری کشور نتوانسته‌اند از پس پاسخ به این سؤال به خوبی برآیند.

۱۲- نبود سیاست ورشکستگی مناسب در قوانین و مقررات ایران در عرصه سرمایه‌گذاری خطرپذیر

سرمایه‌گذاری خطرپذیر، همچنان که از نام پیداست، فعالیت اقتصادی پرخطر به امید دستیابی به سود بیشتر است، لذا احتمال ورشکستگی در مورد آن بیشتر متصور است. بر این اساس، سرمایه‌گذاری خطرپذیر احکام قانونی ویژه‌ای در زمینه ورشکستگی می‌طلبد که قوانین و مقررات جاری کشور ایران در زمینه ورشکستگی تجار از عهده این مهم برنیامده است.

۱۳- نبود قوانین و مقررات لازم در ایران برای بیان شرایط و آثار و احکام قانونی قراردادهای لازم برای بازار سرمایه‌گذار خطرپذیر

صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر تمام سرمایه مادی مورد نیاز برای تأمین مالی کسب‌وکار خطرپذیر را از محل منابع خود تأمین نمی‌کنند بلکه بخشی از سرمایه لازم را از محل سرمایه‌گذاران نهادی و غیره موجود در بازار گرد می‌آورند. شهرت و تخصص صندوق‌ها به سرمایه‌گذاران مزبور اطمینان نسبی برای سرمایه‌گذاری در آن کسب می‌دهد. لذا در حوزه گردآوری و تخصیص سرمایه دو طرح قراردادی مختلف مورد نیاز است: طرح قرارداد منعقد میان سرمایه‌گذاران با صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر؛ و دو دیگر طرح قرارداد منعقد میان صندوق سرمایه‌گذاری خطرپذیر با کسب‌وکار (بنگاه) خطرپذیر. قرارداد نخست به صورت «قرارداد مشارکت محدود» منعقد می‌شود. قراردادی که به طور کامل در نظام حقوق موضوعه ایران دیده نمی‌شود، و شایسته است از طریق پیوند حقوقی وارد کشور شود. رابطه قراردادی‌ای که ارتباط میان صندوق سرمایه‌گذار خطرپذیر/فرشته سرمایه‌گذاری با کسب‌وکار (بنگاه) خطرپذیر را تنظیم می‌کند، «قراردادی سرمایه‌گذاری» است.

برای حلقه‌ها و مراحل مختلف چرخه حیات سرمایه‌گذاری خطرپذیر نیاز به تنظیم قراردادهای ویژه است. قانون می‌تواند از طریق نگارش قواعد تکمیلی (تخییری) کارآمد (Efficient Default Rules) هزینه‌های معاملاتی ناشی از مذاکره و تنظیم و تفسیر و اجرای این قراردادها را کاهش دهد. قانون می‌تواند محتوای قراردادهای گوناگونی که در چرخه حیات سرمایه‌گذاری خطرپذیر مورد استفاده است (از جمع‌آوری سرمایه گرفته تا سرمایه‌گذاری تا خروج) را بر اساس قواعد تکمیلی (تخییری) کارآمد (Efficient Default Rules) استانداردسازی کند، و بدین نحو از هزینه‌های معاملاتی (Transaction Costs) این بازار بکاهد.

۱۴- تمرکز شدید بازار تأمین مالی نوآوری در ایران بر منابع عمومی و دولتی و غفلت از جذب «سرمایه‌های خصوصی» به این بازار

تمرکز قوانین و مقررات موجود بر تأمین مالی دولتی سرمایه‌گذاری خطرپذیر (عدم توجه کافی به تأمین مالی خصوصی سرمایه‌گذاری خطرپذیر)، یکی از مهم‌ترین معضلات حقوقی ایران بخش از نظام اقتصادی کشور است. با توجه به مضیقه‌های بودجه دولت، عملاً این قوانین و مقررات راه به جایی نمی‌برد؛ اکثر صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر دولتی یا شبه دولتی هستند؛

حال آنکه در بازار سرمایه خطرپذیر بایسته است رویکرد بازار-محور در تخصیص و توزیع سرمایه (انتخاب شرکت‌های استارت‌آپی مورد سرمایه‌گذاری خطرپذیر) اختیار شود، نه آنکه توزیع و تخصیص سرمایه در این بازار با مداخله دولت و به شکل متمرکز باشد. رویکرد بازار-محور حتی در جایی که دولت بخش یا تمام سرمایه را فراهم می‌کند نیز باید حفظ شود. دولت با فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی و نهادی برای بازار سرمایه خطرپذیر می‌تواند نقش نیروهای بازار را، به‌ویژه در تخصیص و توزیع سرمایه در این بازار، افزایش دهد.

۱۵- سایر کاستی‌های قوانین و مقررات کشور در عرصه سرمایه خطرپذیر که تدوین یک قانون جامع را در این زمینه ضروری می‌سازد.

- نقص قوانین و مقررات جاری
- روشن نبودن ارتباط اجزاء و مولفه‌های مختلف لازم برای تشکیل بازار سرمایه خطرپذیر
- نبود قوانین و مقررات برای اشخاص حقیقی سرمایه‌گذار خطرپذیر (سرمایه‌داران نوکارآفرین موفق گذشته که مایل و حاضرند در کسب‌وکارهای خطرپذیر به طور انفرادی سرمایه‌گذاری خطرپذیر کنند). چنانکه قبلاً اشاره رفت، این اشخاص اصطلاحاً «فرشتگان سرمایه‌گذار» نامیده می‌شوند.
- نبود قوانین و مقررات لازم برای چگونگی تشکیل بازار شهرت (Reputation Market) برای شناسایی و ابقای بازیگران کلیدی موفق در بازار سرمایه خطرپذیر.

۱۶- مهمترین اسناد قانونی و مقرراتی موجود ایران در زمینه بازار سرمایه خطرپذیر (جسورانه)

در حال حاضر، مهم‌ترین اسناد قانونی و مقرراتی موجود در زمینه بازار سرمایه خطرپذیر ایران، اسناد زیر می‌باشند که به بیان یکسری کلیات و فرایندها و تشریفات بسنده می‌کنند و به هیچ وجه وافی به مقصود نیستند؛ به علاوه، مفاد این قوانین و مقررات به‌خوبی نشان می‌دهند که تدوین‌کنندگان آنها از سازوکارها و اقتضات سرمایه‌گذاری خطرپذیر و تجربیات جهانی در این زمینه ناآگاه‌اند:

- قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۸۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی؛ (ماده ۵ قانون)
- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات مصوب ۱۳۹۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی؛ (ماده ۸ اصلاحی سال ۱۳۹۹)
- دستورالعمل تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری جسورانه مصوب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار ۱۳۹۵ (شامل ماده ۱۵ بسیار کلی که صرفاً فرایند و تشریفات ثبت این صندوق‌ها را بیان می‌دارد)؛
- دستورالعمل تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه و خصوصی مصوب هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار ۱۳۹۷. (شامل ماده ۱۷ بسیار کلی که صرفاً فرایند و تشریفات ثبت این صندوق‌ها را بیان می‌دارد). این دستورالعمل، دستورالعمل سال ۱۳۹۵ را صریحاً نسخ می‌کند؛
- قانون جهش تولید دانش‌بنیان مصوب ۱۴۰۱؛ و
- اشارات کلی پراکنده در سایر قوانین و مقررات.